

مسلمانان در

رودزیای جنوبی

مسلمانان در رودزیای جنوبی از چند گروه زیر تشکیل شده‌اند:

- ۱- مسلمانان مالایایی، که بیشترشان کارگر هستند و برای کار باین سرزمین آمده‌اند و بزبان «شنیانجا» و سواحلی حرف میزنند.
- ۲- مسلمانان آسیائی - این گروه رودزیائی هائی هستند که نژاد آسیائی دارند و دومین گروه بزرگ اسلامی را تشکیل میدهند و بیشترشان ثروتمند بوده و دارای زمینهای مزروعی هستند. زبان رسمی این گروه «انگلیسی» است، ولی بزبان اردو هم سخن میگویند.
- ۳- مسلمانان آفریقائی - این عده از سرزمینهای دیگر آفریقائی آمده‌اند و بیشترشان کارمند هستند و بزبان «مشونا» و «شنیانجا» حرف میزنند.

سطح فرهنگ در بین مسلمانان رودزیا

در رودزیا، کارگران مسلمان مالایایی دارای تعلیمات ابتدائی هستند و از نقطه نظر دینی معلومات آنها در سطح پائینی قرار دارد و برای نوشتن از حروف عربی استفاده میکنند اکثریت این گروه میتوانند قرآن را تلاوت کنند ولی متأسفانه از معانی آن بهره‌مند نیستند. رودزیائیهای آسیائی از فرهنگ بیشتری بهره‌مندند و حداقل در سطح دبیرستانی تحصیل کرده‌اند و انگلیسی را هم بخوبی میدانند و از نظر اطلاعات مذهبی، شناخت بیشتری نسبت باسلام دارند و آشنائی آنان با زبان اردو این امکان را میدهد که از کتب دینی چاپ شده بزبان اردو، استفاده کنند.

مسلمانان آفریقائی مقیم رودزیا بعلت کمبود مدارس دولتی بیشتر در مدارس ابتدائی مبشرین مسیحی خواندن و نوشتن را آموخته‌اند و روی همین اصل هم از اسلام و اصول دینی درک صحیحی ندارند و آنچه راهم که یاد گرفته‌اند از محیط خانه و خانواده بوده که در سطح کامل نمی‌تواند باشد و می‌تواند قرآن بخواند.

چند نکته!

- ۱- در بین نیم میلیون اروپائی مقیم رودزیا که مالک! معادن و زمینهای مزروعی شده‌اند کسانیکه با اسلام آشنا باشند بسیار کم هستند و آن عده‌ای هم که بظاهر اسلام آورده‌اند بخاطر ازدواج با دختران مسلمان بوده و طبعاً پایه محکمی ندارند.

۲- نسل جوان مسلمان در رودزیا فعالیتهائی برای ترقی و پیشرفت بیشتر، از خود نشان میدهند و برای همین منظور گروهی توانسته‌اند بمقامات علمی بالاتری برسند و تحصیلات دانشگاهی را پایان برسانند. چنانکه گروهی هم برای تبلیغ اسلام تحصیلات عالی دینی را تعقیب میکنند ولی متأسفانه بعلت فقدان مدارس عالی دینی در رودزیا این امکان از اکثریت آنان سلب می‌شود و فقط تعداد کمی می‌توانند برای تحصیل علوم دینی بخارج از کشور بروند.

۳- گروه مسلمانان رودزیائی تا این اواخر- یعنی تا اعلان یکجانبه استقلال حکومت جمهوری از طرف دولت اروپائی رودزیا- از احزاب سیاسی اروپائی پشتیبانی میکردند و در انتخابات هم بکاندیداهای آنها رأی میدادند. ولی در واقع میتوان گفت که اکثریت مسلمانان در رودزیا از حق انتخاب محروم هستند زیرا شرط اول داشتن حق رای در رودزیا داشتن تعلیمات ابتدائی است و چون اغلب مسلمانان از این تعلیمات نگاه داشته شده‌اند! طبعاً از حق رای محروم مانده‌اند.

خوشبختانه گروه مسلمانان رودزیائی که سابقاً هوادار احزاب سیاسی وابسته به اروپائیان بودند بعلت اعلام استقلال يكجانبه و زور گوئیهای ضد بشری دولت «بان اسهیت» دیگر از احزاب سیاسی اروپائیان پشتیبانی نمی‌کنند و برای ایجاد يك حکومت ملی با « نهضت ملی افریقائی » همکاری میکنند.

نیازهای فوری مسلمانان

در رود زیا مسلمانان نیازهایی دارند که باید فوری به آنها توجه نمود و اقدام کرد. برای مسلمانان آفریقائی تاسیس مدارس ابتدائی ضروریست تا فرزندان آنها را از تبلیغات مسموم مبشرین مسیحی نجات دهد.

تاسیس مساجد و مدارس در مناطق روستائی و دوار شهرها و مراکز تجاری و صنعتی نیاز دیگریست که با همت مسلمانان فداکار باید برطرف شود.

ایجاد کتابخانه‌های کوچک و مرکز ترجمه کتب اسلامی بزبانهای محلی برای حفظ مسلمانان و آشنا ساختن آنان با اصول اسلامی يك ضرورت اجتناب ناپذیر دیگر است.

از همه مهمتر و بالاتر تشکیل يك مرکز عالی برای بررسی امور جاری مسلمانان و همچنین ایجاد يك معهد و مدرسه عالی اسلامی برای تحصیلات کافی و کامل داوطلبان يك واجب عینی است این مرکز و معهد میتواند برای اعزام محصل علوم دینی بخارج، و یا تکمیل درس آنان در رودزیا تصمیمات لازم را بگیرد و اجرا کند و با توجه بوضع موجود در رودزیا بودجه زیادی برای این امر لازم نیست. (۱)

۱- چنانکه در قسمت اول این مقاله اشاره شد در تهیه این مقاله از نوشته « ادمکدا » مسلمان رودزیائی در مجله المجتمع و مجله « ردینس » چاپ هند استفاده شده‌است.

بقیه از صفحه ۱

شهر منقل گردید .

در این مدت فاطمه زهرا (ع) تحت تربیت مستقیم پیامبر قرار گرفته گوهر شخصیتش جلوه و درخشش خاصی یافت و در همه فضائل و کمالات انسانی نه تنها تمام دختران عصر خود را تحت الشعاع قرارداد بلکه برای همیشه بهترین نمونه والگوی دختر تربیت یافته مکتب پر اراج اسلام باقی و برقرار ماند .

همسر شایسته فاطمه (ع) تنها علی (ع) بود .

خصوصیات بارز و چشمگیر فاطمه (ع) از یکسو ، و امتیازات برجسته خانوادگی او از سوی دیگر ، توجه همه را بسوی او جلب کرده بود و هر یک از رجال قریش ، و بزرگان و ثروتمندان آرزوی وصلت با خاندان نبوت و داشتن همسری مانند فاطمه (ع) را در سر می پروراندند و گاه و بیگاه خواستگاری می کردند ولی پیامبر (ص) با هیچکدام موافقت نمی کرد و می فرمود : تعیین همسر او با خداست ؛ و من منتظر دستور خدا هستم . کسانی هم که پس از پیامبر (ص) برمسند خلافت تکیه زدند ، یکی پس از دیگری او را خواستگاری نمودند و همان جواب را شنیدند (۱)

در میان یاران پیامبر (ص) فقط یک نفر بود که همه حدس می زدند پیامبر (ص) مایل است دختر خود را به او تزویج کند و او «علی» علیه السلام بود . علی که در آن هنگام در فکر ازدواج نبود ، بشوق یاران پیغمبر (ص) تمایل خود را با ازدواج با فاطمه (ع) ابراز نمود حدس همه درست بود ! . پیامبر (ص) و فاطمه (ع) هر دو با این وصلت فرخنده موافقت نمودند و طی مراسم بسیار ساده و با «مهری» اندک که از بانصد درهم تجاوز نمی کرد (۲) گرامی ترین دخت پیامبر اسلام بخانه علی (ع) گام نهاد . (۳) پیامبر فرمود : «اگر علی بن ابیطالب نبود هیچیک از مردان جهان ، همشأن فاطمه (ع) نبودند (۴)

بی شک پیامبر می توانست مهر سنگینی برای دختر خود قرار داده عروسی مجلی برای او ترتیب دهد و جهاز فراوانی تهیه کند ، افراد زیادی منتظر یک اشاره بودند تا هر نوع هزینه ای لازم باشد در اختیار او بگذارند ولی پیامبر «ص» جهازی که مجموع آن در حدود شصت و شش درهم بود همراه فاطمه «ع» بخانه علی «ع» فرستاد تا سرمشق و نمونه زندمای برای پیروان اسلام باشد ، و مسلمانان ، حساب ازدواج را با حساب تجارت و معامله مخلوط نکنند .

۱- طبقات ابن سعد ج ۸ ص ۱۱ و تذکره الخواص ص ۳۰۷ . کشف الغمّة ج ۳ ص ۳۴۵

مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۳۶۵ .

۲- اعیان الشیعه ج ۳ ص ۵۶۳ کشف الغمّة ج ۳ ص ۳۵۱ طبقات ابن سعد ج ۸ ص ۱۳

۳- کشف الغمّة ج ۳ ص ۳۵۳ و ج ۲ ص ۱۸۱ -۵ همان کتاب ج ۳ ص ۳۵۲

مادر نمونه

فاطمه زهرا «ع» در حدود هشت سال در خانه امیرالمؤمنین زندگی کرد که ثمره آن وجود فرزندان گرانمایه و با فضیلت مانند حسن، حسین، زینب و ام‌کلثوم «علیهم‌السلام» بود او در این مدت بمسئولیت خطیر خود در زمینه پرورش فرزندان شایسته کاملاً آگاه بود و توجه داشت که فرزندان در آینده، زمامداری و رهبری جامعه اسلامی را بعهده خواهند داشت از اینرو از همان دوران کودکی روح تقوی و پرهیزگاری را در آنها تقویت می‌نمود و درس عظمت و فداکاری به آنها می‌آموخت. آن بانوی بزرگ، هنگامی که فرزند خردسال خود «حسن» را بازی می‌داد و او را در دست خویش بالا و پائین می‌انداخت، چنین می‌گفت:

اشبهه اباک یا حسن و اخلع عن الحق الرسن و اعبد الہا ذامنن و لا توال ذالاحن و با این جمله‌های کوتاه چهار نکته حساس را به آن کودک القا می‌کرد:

- ۱- مانند پدرت شجاع و خداپرست باش ۲- از حق دفاع کن و ریسمان باطل را از گردن آن بردار ۳- خدای احسان کننده را پرستش کن ۴- با افراد کینه‌توز دوستی مکن (۱)

فاطمه زهرا (ع) برای فرزندان خود یک مادر نمونه، و نسبت به امیرمؤمنان همسری مهربان، و در زمینه ایمان و خداشناسی و عفت و پاکدامنی، بی‌تظیر بود. او بقدری دلسوز و مهربان بود که کارهای خانه را با خدمتگزار خود تقسیم نموده بود، کارخانه داری را یک روز اوانجام می‌داد و روز دیگر بعهده خدمتگزار او می‌گذاشت (۲)

دختر گرامی پیامبر (ص) نه تنها در تربیت اسلامی کودکان خود دقت فراوان می‌نمود، بلکه در نشر تعالیم درخشان اسلام دنباله مجاهدتهای پدر عالیقدر و همسر گرامی خود را گرفته و در راهنمایی زنان مسلمانان، کوشش بسزا می‌نمود. «عایشه» با آنکه چندان به دختر پیامبر (ص) علاقه نداشت، می‌گوید: «هیچکس در فضیلت و شخصیت جز پیامبر (ص) برتر از فاطمه (ع) نبود» (۳)

استیضاح خلیفه

فاطمه زهرا (ع) از دوران کودکی پیوسته با حوادث و تندبادهای سهمگین زندگی مواجه بود. رویدادهای غم‌انگیز یکی پس از دیگری در صحنه زندگی او پدید می‌آمد و غبار اندوه بر صفحه قلب او افشاندن خاطرش را افسرده و آزرده می‌ساخت. از دست دادن مادر و محرومیت از آغوش پرمهر و در سنین کودکی، مشاهده آزارها و فشارهای شدید بت پرستان مکه نسبت به پیامبر (ص) و پیروان آنحضرت در مکه و صحنه‌های دلخراش دیگر در مدینه و بالاخره رحلت پدر مهر باننش پیامبر در سال یازدهم هجری، که هنوز فاطمه (ع) به بیست سالگی نرسیده بود، از مهمترین حوادث ناگوار زندگی آن بانوی بزرگ می‌باشد.

ولی این رویدادهای خردکننده که می‌توانست هر فرد عادی را از پای در آورد و نیروی

۱- بحار ج ۳ ص ۲۸۶ ۲- فاطمه دختر محمد نوشته سید جعفر شهیدی ص ۳۸

۳- اعیان الشیعة ج ۲ ص ۵۶۷

استقامت او را در هم بشکنند، نه تنها فاطمه زهرا (ع) را از تعقیب هدفهای پدرا رجمند خود باز نداشت، بلکه روز بروز بر صبر و استقامت او افزوده می‌شد.

از این رو پس از رحلت پیامبر (ص) که دگر گونیهای عمیقی در جامعه اسلامی پدید آمد و حکومت اسلامی از محور اصلی خود منحرف گشت، در مبارزه با حکومت باطل و احقاق حق امیر مؤمنان (ع) نقشی بسیار مهم ایفا نمود زیرا او حتی نزد اشخاصی هم که بجبهاتی از امیر مؤمنان (ع) گرفته خاطر ا را بودند، دارای احترامی فوق العاده بود (۱) یاران پیامبر (ص) از آن حضرت شنیده بودند که: «فاطمه پاره تن منست هر کس او را بیازارد مرا آزرده است» (۲) و نیز فرموده بود: «خشنودی فاطمه مایه خشنودی خدا و خشم او موجب خشم خداست» (۳) فاطمه زهرا (ع) با توجه به این موقعیت حساس؛ برای دفاع از حریم اسلام مبارزه را آغاز نمود و احتجاجها و مذاکرات تندی با خلیفه وقت بعمل آورد در این راه صدمات فراوانی را تحمل نمود ولی چون هیچکدام را مؤثر ندید در اجتماع بزرگ مسلمانان در مسجد پیامبر (ص) سخنرانی مبسوط و فوق العاده پر شور و مهیجی (از پشت پرده) ایراد نمود که در عالیترین درجه فصاحت و شیوایی قرار دارد و طی آن حقایق بسیار و خدمات پیامبر (ص) و مقام اهل بیت را بیان نموده خلیفه اول را استیضاح نمود و آن جمعیت انبوه را يك پارچه به گریه و ناله واداشت (۴) باید توجه داشت که آنچه فاطمه (ع) آن روز می‌خواست در مجمع همگانی طرح کند، تنها دفاع از حق شخصی خود و شکایت از تصرف «فدک» نبود، بلکه فاطمه (ع) از آن نطق آتشین نظر مهم تر و دقیق تری داشت. او می‌خواست مسلمانان را متوجه عواقب وخیم پشت پا زدن به دستورهای خدا و پیامبر (ص) سازد و آنان را از هر گونه انحراف از روش پیامبر (ص) بر حذر دارد.

او بزرگتر از آن بود که به مردم شکایت کرده از آنها دادخواهی کند که چرا نان و خورش بچه‌های وی را گرفته اند؟! (۵)

* * *

سرانجام ضربتهای خرد کننده روحی و جسمی که بر آن بانوی بزرگ وارد شده بود، کار خود را کرد و اندکی پس از رحلت پیامبر (ص) او نیز رخت ازا این جهان بر بست. بسیاری از گوشه‌های زندگی پرافتخار دختر پیامبر (ص) بر ما مبهم مانده است ولی از همه مهمتر ناشناخته ماندن آرامگاه اوست. و این، با همه ابهامش؛ اذ دل پردرد زهرا (ع) حکایتها دارد و سند زنده ای است از خشم و نارضائی او از حکومتی که بنام جانشینی پیامبر (ص) روی کار آمد!

مهدی پیشوائی

۱- فاطمه دختر محمد (ص) ص ۴۷.

۲- کشف النمة ج ۲ ص ۲۴ و مناقب ج ۳ ص ۳۳۲.

۳- کشف النمة ص ۱۴ مناقب ص ۳۲۵ تذکرة الخواص ص ۳۱۰ و قریب این مضمون

صحیح بخاری

۴- احتجاج طبرسی ص ۶۳ ۵- فاطمه دختر محمد ص ۶۱.